

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین سعیدی-سعیدافغانی

۰۳ مارچ ۲۰۱۹

بسم الله الرحمن الرحيم



۳

سایر اسرائیلات روایت شده در مورد صخره:

- این صخره از جمله صخره های بهشتی است.
- صخره بیت المقدس بعد از سفر معراج به یک مرجان سفید رنگ تبدیل شده است.
- این صخره ارزشمندترین صخره جهان است.
- آب های کل زمین از زیر این صخره خارج می شود.
- این صخره اصلاً در هوا آویزان است.
- بر روی آن جای پای حضرت محمد صلی الله علیه وسلم قرار دارد.
- بر روی آن اثر انگشتان فرشتگان قرار دارد.
- این صخره بر روی دریا هائی از رودهای بهشت قرار دارد.
- در زیر این صخره چشمه های گوارا می جوشد و بادهای لقاح می وزد.



- این صخره نزدیک ترین نقطه به عرش پروردگار است و پروردگار بلند مرتبه زمین در زیر این صخره گسترانده است.



- این صخره در مرکز دنیا قرار دارد و به حیث مرکز کل کره خاکی به شمار می رود.

- این صخره حکم حجر الاسود برای کعبه را دارد.

اکثریت مطلق باحثین این نظریات را در مورد صخره نقل نموده اند و برخی از باحثین این روایات را مردود و از جمله روایات اسرائیلی شمرده اند و بدین امر معتقد اند که این صخره از جمله صخره های طبیعی و یک بخشی از مسجد مبارک الاقصی بوده و هیچ خصوصیات تقدسی دیگری را دارا نمی باشد.

عالم شهیر جهان اسلام شیخ الاسلام ابن تیمیه در «مجموع فتاوی / کتاب الزیاره» می فرماید: «اهل علم از صحابه و تابعین که صاحب فضل و نیکی هستند به این صخره قداستی قائل نبودند، برخی انسان های نادان می گویند جای پای پیامبر

اکرم صلی الله علیه وسلم و عمامه آن بزرگوار روی این صخره کاملاً مشهود است و همه آنها دروغ است و دروغ تر از همه این که کسی تصور کند جای پای خداوند (العیاذ بالله) بر روی آن قرار دارد.»

همچنان شیخ «ابن قیم الجوزیه» شاگرد امام ابن تیمیه ضعف تمامی احادیث وارده درباره فضل این صخره را بیان و آنها را تکذیب کرده است. وی در کتاب خود به نام «المنار المنیف» می نویسد: «هر سخنی که در مورد صخره گفته شده است دروغ افتراء آمیز است، بحث مربوط به جای پای پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم بر روی آن دروغ ساختگی است که انسان های دروغ پرداز آن را به هم بافته اند و آنها را تبلیغ می کنند تا بر نادانی زائران بیفزایند، عمده ترین مسأله در مورد این صخره این که قبله یهودیان بود و این صخره حکم روز شنبه در اوقات هفته را دارد و خداوند متعال آن را با کعبه جایگزین کرد.»

تشریف آوری رسول الله (ص) به مسجد اقصی:

مؤرخین می گویند رسول الله صلی الله علیه وسلم در شب الاسراء به مسجد الاقصی از سمت جنوب شرقی وارد گردید و این سمت عملاً در سمت مکه معظمه قرار دارد. و از جانب دیگر سمت جنوب شرقی مسجد در واقع یک دره عمیق است که فاقد هر گونه دروازه و توقفگاه براق می باشد.

و برخی از علماء بر حدیث ابن کثیر در این بابت استدلال می نمایند، در این حدیث آمده است: «ما از دروازه ای وارد مسجد الاقصی شدیم که زاویه تابش آفتاب و ماه در آنجا انحراف داشت.» ولی قابل تذکر است که این حدیثی وارده را شیخ البانی از جمله احادیث ضعیفه بشمار آورده است. (تفسیر القرآن العظیم، جلد: ۳، صفحه: ۱۵. و رساله معراج و ذکر احادیث آن و استخراج و بیان درست و غلط. صفحه ۶۹.)

اسراء و معراج سفر جسمانی و روحانی:

در آیت ۱ سورة الاسراء پروردگار با عظمت می فرماید: «پاک و منزّه است خدنی که بنده اش را در یک شب از مسجدالحرام به مسجد الاقصی برد که گرداگردش را پربرکت ساختیم، تا نشانه های خود را به او نشان دهیم. او شنوا و بیناست.»

از روایات اسلامی چنین بر می آید که سفر معراج در دو مرحله صورت گرفته است، مرحله اول طوری که آیت مبارکه هم گویای این مطلب است، رسول الله صلی الله علیه وسلم شبانه از مسجدالحرام تا مسجد الاقصی سیر می نمایند و پس از آن تا آسمان هفتم و تا جایی صعود می کنند که احدی جز خداوند متعال حضور نداشته است و تمام این سفر مبارک دو مرحله ای طوری که در فوق هم گفتیم با همین بدن جسمانی اتفاق افتاده و نه در خواب یا با روح، زیرا معراج صرفاً روحانی فضیلت چندان را برای ایشان اثبات نمی کند.

و عقیده اهل سنت و جماعت هم همین است که این سفر و سیر شبانه رسول الله صلی الله علیه وسلم مطابق حکم (آیت اول سورة الاسراء) و به خصوص در جمله «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ» مؤید و نشان دهنده این حقیقت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم در این سفر از مسجد الاقصی تا آسمان ها با روح و جسد هردو بوده است.

بُراق :



بُراق نام مرکبی است که رسول الله صلی الله علیه وسلم در سفر آسمانی خویش در شب معراج فاصله راه بین مسجد الحرام در مکه معظمه و مسجد الاقصی را طی نمود.

محدثین می نویسند: که اسراء از مکه معظمه به سوی بیت المقدس بر مرکبی به نام «بُراق» انجام گرفت است و زمانی که رسول الله صلی الله علیه وسلم به دروازه مسجد الاقصی تشریف می آورند، «بُراق» خویش را در محل بست و به مسجد داخل و دو رکعت نماز تحیه مسجد

را در قبله آن گزاردند، سپس با جبرئیل علیه السلام به معراج رفتند و معراجشان مانند زینه پله به پله «سُلم» دانسته که از یک پله به پله دیگر آن صعود می کردند، در این عروج ابتداء به آسمان دنیا و سپس به بقیه آسمانهای هفت گانه صعود کردند و برخی دیگر از مفسرین معراج را بر بال جبرئیل دانسته اند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در این سفر از عجایب و آیات دیدند آنچه دیدند و آن گاه همان مسیر را برگشته بار دیگر به مسجد الاقصی آمدند و با انبیاء علیهم السلام نماز جماعت گزارده و در نماز امام ایشان شدند آن گاه در همان شب مجدداً سوار بر براق به مکه برگشتند.

امام احمد بن حنبل در حدیث اسراء به نقل از انس بن مالک روایت کرده است که رسول خداوند فرمودند: «با براق که چهارپائی سفید رنگ بلندتر از دراز گوش و کوتاه تر از قاطر است و سمش را تا آخر بینائی اش می کشید به بیت المقدس آمدم و آن را به حلقه ای بستم سپس وارد شدم و دو رکعت نماز به جای آوردم سپس خارج شدم ... تا پایان»

(مسند احمد بن حنبل، جلد ۱۰، صفحه ۴۸۰)

مسلم در صحاح خود به نقل از انس بن مالک روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: « با بُراق آورده شدم و آن حیوانی است بلندتر از خر و کوتاه تر از قاطر سمش را به کنار دیدگانش می کشید، سوار آن شدم و به بیت المقدس آمد و حیوان را به حلقه ای بستم که پیامبران چهار پایان خود را به آن می بستند، سپس داخل مسجد شدیم و دو رکعت در آن نماز خواندم، سپس خارج شدم و ناگهان جبرئیل امین بر من نازل شد و بر من شیر و شراب ارزانی کرد، شیر را برگزیدم سپس مرا به عرش عروج داد.

حلقه موجوده در مسجد براق:

علماء بدین عقیده اند که رسول الله صلی الله علیه وسلم در شب اسراء بُراق خویش در دیوار که امروز به نام مسجد بُراق شهرت دارد، بسته است، ولی حلقه موجوده همان حلقه است و یا خیر! نسبت نبودن دلایل نقلی نمی توان در



مورد حکم قطعی صادر نمود، ولی در این باب به دلایل عقلی نویسندگان و محققین در مورد اکتفاء خواهیم نمود.

در حدیث امام احمد بن حنبل در حدیث اسراء به نقل از انس بن مالک روایت شده و ملاحظه نمودیم که رسول الله فرمودند « با بُراق آورده شدم ... و حیوان را به حلقه ای بستم که پیامبران چهار پایان خود را به آن می بستند ...»

فحوای این حدیث مبین این واقعیت است که در دیوار بین المقدس محل خاص و به خصوص حلقه خاصی برای بستن چهار پایان وجود داشت که پیامبران در آن چهارپایان خویش را می بستند، و رسول الله صلی الله علیه وسلم از این حلقه در بستن بُراق از آن استفاده به عمل آورد. ولی محل و جای دقیق این حلقه معلوم نیست.

ولی اگر در منطقه دیوار بُراق یک جست و جوی

دقیق به عمل آید، دیده می شود که: جای این حلقه در مصلی مسجد البراق واقع در مسجد الاقصی قرار دارد. برخی از محققین بدین نظر اند که حلقه موجوده آهنی در دیوار مسجد الاقصی، حلقه آهنی است که از زمان دوران عثمانی ها باقی مانده است.

ولی دلایل عقلی همه محققین بر این تأکید دارند که این محل در دیوار بین المقدس محل بستن بُراق بوده است. (گرفته شده از رساله: حلقه عثمانی در مسجد براق)

محل معراج:

در مورد این که رسول الله صلی الله علیه وسلم به طور دقیق از کدام نقطه و محل بیت المقدس به معراج تشریف برده اند، هیچ نص قرآنی و حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم در این باب که صحت محل را تعیین، معین و صحیح قلمداد نماید

، به تصرف ما نمی باشد ، ولی محققین ، محدثین و مفسرین بر دوقطه در مسجد اقصی نظریات خویش را متمرکز ساخته اند ، یکی خود صخره و دیگری دیوار بُراق و یا هم دیوار ندبه را بیان نموده اند .

ولی صخره نقطه قابل اتفاق و تأیید اکثریت مطلق علماء بوده و دیوار بُراق را بنابر این که کمی دور تر از مسجد اقصی موقعیت دارد آن نقطه را غیر ممکن می دانند .

ولی اگر خود صخره از نزدیک مشاهده شود ، چون در بلندترین نقطه مسجد اقصی و در قلب آن قرار دارد بعید به نظر نمی رسد که منطقه ، مکان و محلی است که از آن معراج رسول الله صلی الله علیه وسلم به آسمان صورت گرفته است به احتمال قوی همین پشت صخره محل معراج می باشد .



برخی علماء بدین باور اند که در صخره قبة المعراج محل معراج رسول الله صلی الله علیه وسلم است . ولی نسبت نبودن دلایل نقلی به همین دلایلی قوی عقلی اکتفاء خواهیم نمود که معراج رسول الله صلی الله علیه وسلم از همان پشت صخره شریف صورت گرفته است . والله اعلم .

محل ادای اقامه نماز:

در مورد این که رسول الله صلی الله علیه وسلم در کدام محل از مسجد اقصی نماز خواند ، در احادیث معین و مشخص نشده است .

علماء آن را یک سؤال منطقی خوانده اند ، و می فرمایند که اگر رخداد های تاریخی و شرایط علمی و فقهی امت اسلام در برهه ها و مکان های مختلف را دنبال می کنیم متوجه خواهیم شد که پند و اندرز های عظیمی در آنها نهفته است و به طور کلی

باید مسجد الاقصی به صورت یکپارچه نزد تمامی مسلمانان بماند و نباید آنان فقط یک بخش از آن را در کانون توجهات خود قرار دهند .

ادامه دارد